

## مقاله‌ی پژوهشی

نقش واسطه‌ای باورهای فراشناختی و نارسایی تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی بین  
کمال‌گرایی شناختی و نگرانی در بیماران مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر

## خلاصه

**مقدمه:** اختلال اضطراب فراگیر، شایع‌ترین اختلال اضطرابی است و بالاترین نرخ همبودی را با سایر اختلالات روان‌پزشکی دارد. نگرانی شدید، معیار تشخیصی اصلی برای اختلال اضطراب فراگیر است. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای باورهای فراشناختی و نارسایی تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی بین کمال‌گرایی شناختی و نگرانی در بیماران مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر بود.

**روش کار:** جامعه‌ی آماری این پژوهش اکتشافی همبستگی، بیماران مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر مراجعه‌کننده به کلینیک‌ها و مراکز روان‌پزشکی شهر تهران و یزد در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بودند. ۱۰۰ بیمار مبتلا (۷۴ زن، ۲۶ مرد) به روش مراجعات متوالی و به صورت هدف‌مند انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان، مقیاس شناخت‌های کمال‌گرایانه، پرسش‌نامه‌های نگرانی ابالت پنسیلوانیا، باورهای فراشناختی و تنظیم شناختی هیجان را تکمیل کردند. برای تحلیل آماری داده‌ها از ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل‌های رگرسیونی دوگامی در نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۱۶ استفاده شد.

**یافته‌ها:** کمال‌گرایی شناختی، باورهای فراشناختی، به ویژه باورهای فراشناختی منفی و نارسایی تنظیم شناختی هیجان با نگرانی در بیماران مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر در سطح  $P < 0/001$  رابطه‌ی مثبت معنی‌دار دارند. به علاوه، باورهای فراشناختی و نارسایی تنظیم شناختی هیجان در رابطه‌ی بین کمال‌گرایی شناختی و نگرانی در بیماران مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر نقش واسطه‌ای داشتند ( $P < 0/001$ ).

**نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های این پژوهش، رابطه‌ی بین کمال‌گرایی و نگرانی در بیماران مبتلا به اختلال اضطراب فراگیر، یک رابطه‌ی خطی ساده نیست و باورهای فراشناختی و نارسایی تنظیم شناختی هیجان می‌توانند این رابطه را تحت تاثیر قرار دهند.

**واژه‌های کلیدی:** اختلال اضطراب فراگیر، باور، فراشناختی، کمال‌گرایی، نگرانی، هیجان

\*محمدعلی بشارت

استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

رقيه‌السادات میرجلیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی

بالی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

هادی بهرامی احسان

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

\*مؤلف مسئول:

گروه روان‌شناسی، دانشکده‌ی روان‌شناسی و

علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

besharat@ut.ac.ir

تاریخ وصول: ۹۳/۱/۱۶

تاریخ تایید: ۹۳/۸/۲۰

## پی‌نوشت:

این مطالعه با تایید گروه روان‌شناسی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی و حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده و با منافع نویسندگان، رابطه‌ای نداشته است. از همکاری در مانگاه اعصاب و روان بهمن یزد و بخش روان‌پزشکی بیمارستان امام حسین تهران و شرکت‌کنندگان در این پژوهش تشکر می‌شود.